فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ٤، بهار ۹۵، صفحات ۳۷-۵۱

معماری جدید شهری و مشکلات آن
(مطالعه‌ی موردی: محلّه‌ی چیذر تهران)

مرضیه آزاد ارمکی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۰۹/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۵

چکیده

در شرایط امروزی ایران، تغییرات بنیادین و مهمّ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سازوکار، بطن و فیزیک معماری اثرگذار بوده و نوعی ناهمسانی و ناسازگاری میان معماری و زندگی جاری در ایران ایجاد کرده است. بخشی از این آشفتگی‌ها برخاسته از ناهمگونی میان ذائقه‌ی معماری و سبک زندگی است که نهایتاً به بی‌علاقگی شهروندان و ساکنین محلّات نسبت به محلّه و منطقه‌ی زیست خود منجر می‌شود. چیذر یکی از محلّاتِ دارای سرشت تاریخی و مذهبی در شمیرانات تهران است که از این آشفتگی‌ها مصون نمانده است. در این مقاله با استفاده از نظریّه‌ی جامعه‌شناس آلمانی، گئورگ زیمل، سعی شده است با به‌کارگیری‌های ترکیبی اعمّ از اسناد و مدارک و روش پرسش‌نامه در میان محلّی‌های بافت چیذر به شناسایی عناصر دارای مفهوم «دل‌زدگی» در چهار بخش اصلی محلّه بپردازیم تا در مطالعات بعدی با بهره‌گیری از چنین بازخوردهایی، به معماری درست و دور از دل‌زدگی انسان کلان‌شهری در این محلّه با هویّت شهری پرداخته شود. به عقیده‌ی زیمل، در کلان‌شهر به سبب تحریکات عصبی، با پدیده‌ی روانی دل‌زدگی مواجه هستیم و معماری امروزی باید پاسخی به آسیب‌ها و فقدان‌های انسان مصرف‌کننده‌ای باشد که اکنون کلان‌شهر را تجربه می‌کند. در پایان این مقاله، چندین راهکار برای رفع این دل‌زدگی‌ها در بافت چیذر ارائه شده که یکی از آن‌ها، تلاش برای ایجاد محیط محلّی است.

واژه‌های کلیدی: چیذر، معماری، دل‌زدگی، بافت تاریخی، ساکنین محلّه.

[۱] استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی azad.marzieh@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

مقدّمه و طرح مسأله

محلّه‌ی چیذر[1] از سابقه‌ی تاریخی و مذهبی طولانی‌ای برخوردار است. به سبب نزدیکی چیذر به تپّه‌های تاریخی قیطریه، در این منطقه دو میراث تاریخی و مذهبی دیده می‌شود. میراث تاریخی آن، تپّه‌های قیطریه با سفال‌ها و تمدّن دو هزار ساله‌ی منطقه است و میراث انسانی نیز شهدایی هستند که جان خود را در راه دین و وطن تقدیم کرده‌اند. از این رو، تبدیل این منطقه به نمونه‌ی کوچکی از بهشت زهرای داخل شهر و حضور مخاطبین و زوّار در این محل، حائز اهمّیّت است. البتّه امروزه به دلیل تحوّل نظام شهری در ایران، پیامدهای مشکل‌ساز بسیاری در بافت‌های دارای ارزش تاریخی ایجاد شده است. آگاهی از این پیامدها و شناخت آسیب‌های نهفته در بافت، از نخستین گام‌های ترقّی و تثبیت محلّات و مناطقِ دارای ارزش تاریخی است.

بافت‌های تاریخی همانند خود تاریخ، چیزی مربوط به گذشته نیستند، بلکه بازیابی گذشته برای زندگی کنونی هستند؛ به عبارت دیگر، بافت تاریخی حاصل مواجهه‌ی اکنون با گذشته است؛ به‌گونه‌ای که ما همواره در حال بازسازی و بازیابی گذشته هستیم و در مقابل، بستری که از گذشته به ما رسیده همواره زندگی و عمل ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. تاریخ‌مندی ویژگی گریزناپذیر انسان و جامعه‌ی انسانی است و این امر، در جوامعی چون ایران تشدید نیز می‌شود؛ هویّت کنونی ایرانی حاصل تاریخی گسترده است که در حوزه‌ی معماری هم قابل پیگیری است.

یکی از نکات قابل توجّه در تاریخ معماری شهرهای ایرانی تا پیش از ورود تجدّد، محلّه‌مندی آن است. این محلّات نه تنها به صورت فیزیکی، بافت‌های مختلف شهری را از یکدیگر متمایز می‌ساختند، بلکه در وجه ذهنی نیز هویّت‌های خاصّ خود را در ذهنیّت شهروندان ایجاد می‌کردند؛ به‌گونه‌ای که تا چند نسل پیش، شهروندان تهرانی بخشی از هویّت خود را از محلّه‌ی خویش اخذ می‌نمودند. چیذر از جمله مناطقی است که در گذشته همانند سایر محلّات، بر اساس استخوان‌بندی شهری و نظم و عناصر مهم در شکل‌گیری شهر، آرایش یافت. پیش از ورود ماشین به گذرگاه‌ها و معابر، محلّات بر اساس ساختاری منظّم و مطابق با انسان پیاده، رشد می‌یافتند. این تکامل شهری و محلّی بی‌شک کم‌ترین آسیب را به محلّات وارد می‌کرد. در گذر زمان و به‌طور خاص در دوره‌ی مدرن، دخل و تصرّفات زیادی در معماری و طرّاحی شهری روی داده که بیش‌ترین آسیب را به محلّات شهری وارد کرده است. در نتیجه، محلّات دچار نابسامانی‌ها و به‌هم‌ریختگی‌هایی شدند که تا آن زمان با آن مواجه نشده بودند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

تعیین علّت تحوّل این نظام شهری در ایران، نیازمند بحث مفصّلی است که با کلّ فرایند توسعه‌ی روی داده در کشور، در ارتباط است. امّا صرف‌نظر از علّت این مسأله که نیازمند مباحث جامعه‌شناختی و اقتصاد سیاسی است، بررسی پیامدهای این امر در بافت شهری و نیز راه‌های جلوگیری از این روند به کمک سیاست‌گذاری شهری و محلّه‌ای، حائز اهمّیّت است.

در تهران بزرگ علاوه بر محلّات مرکزی شهر، محلّات شمیرانات نیز از آفت این پدیده در امان نمانده‌اند. از میان محلّات باهویّت شهر تهران، محلّه‌ی چیذر (واقع در ناحیه‌ی هشت منطقه‌ی یک) شدیداً تحت‌تأثیر این پدیده قرار گرفته است. بی‌توجّهی به بافت محلّه‌ی چیذر با وجود برخورداری آن از هویّت تاریخی، سبب شده است که این بافت، در حال نابودی قرار گیرد. معماری منطقه‌ی چیذر روز به روز دچار آشفتگی بیش‌تر و انسجام کم‌تری می‌شود و هویّت ساکنان منطقه و مغازه‌داران از حالت محلّی خارج می‌گردد. شدّت این روند نامطلوب به گونه‌ای است که در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب، چیذر هویّت و مرکزیّت خود را از دست خواهد داد. از این رو، باید با شناخت نابسامانی‌های معماری در این بافت به‌عنوان گام نخست، راهکارهایی برای احیا و حفظ این محلّه مشخّص و ارائه شود.

چارچوب نظری پژوهش

درباره‌ی مسائل کلان‌شهرهای جدید و وضعیّت انسان، دیدگاه‌های متعدّدی وجود دارد که تحلیل گئورگ زیمل بیان روشن‌تر و دقیق‌تری از این مسائل دربردارد. از این رو، برای بیان رابطه‌ی معماری و تغییرات شهری و مشکلات و مسائل آن و به‌طور ویژه ظهور فردیّت مدرن و دل‌زدگی، بر این نظریّه تکیه شده است. تحلیل گئورگ زیمل از کلان‌شهر، مبنای نظری مناسبی برای تحلیل تأثیرات فرهنگی و روان‌شناختی شهرهای بزرگی چون تهران فراهم می‌کند. زیمل در اثر برجسته‌ی خود، تحلیل ژرفی از زندگی در کلان‌شهر و تأثیر آن بر خلقیّات ارائه می‌دهد. این نظریّه، مزایا و کاستی‌های زندگی در کلان‌شهر را بازنمایی می‌کند و امکان شناخت آسیب‌های این نوع زندگی را فراهم می‌آورد.

زندگی در کلان‌شهر، سلطه‌ای عقلی بر زندگی انسان ایجاد می‌کند؛ زیرا انسان کلان‌شهری در مواجهه با شدّت تحریکات عصبی و نیز اقتصاد پولی در کلان‌شهرها، مجبور می‌شود با عقل که در مقایسه با احساسات و . . . دارای کم‌ترین حسّاسیّت است، واکنش نشان دهد. در کلان‌شهرها فقط دستاوردهای عینی‌ای که سنجش‌پذیرند، مورد توجّه قرار می‌گیرند. این عوامل سبب می‌شود

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

انسان کلان‌شهری در برخوردهای روزانه‌ی خود با دیگران، به جای برخوردهای عاطفی و بی‌چشم‌داشت، حسابگرانه رفتار کند. هم‌چنین، زندگی کلان‌شهری به سبب گستردگی ارتباطات و نیاز به هماهنگ‌سازی، وقت‌شناسی و دقّت را در روابط اجتماعی و ساختار شخصیّت افراد گسترش می‌دهد. وقت‌شناسی، حسابگری و دقّت که با اقتصاد پولی و ویژگی عقلانی زندگی کلان‌شهری در ارتباط نزدیک هستند، سبب می‌شوند انسان کلان‌شهری انگیزش‌ها و نشانه‌های غریزی و عقل‌گریزی را که شکل زندگی را از درون تعیین می‌کنند، طرد نماید و زندگی قراردادی، دقیق و عام را که از خارج تحمیل می‌شود، بپذیرد و بدین‌ترتیب فرهنگ عینی بر فرهنگ شخصی چیره می‌گردد. امّا عواملی چون اقتصاد پولی و زندگی در کلان‌شهر که موجب به حاشیه رفتن فرهنگ ذهنی شخصی شده‌اند، هم‌زمان ذهنیّتِ به‌شدّت شخصی را نیز در فرد گسترش می‌دهند؛ زیرا در شرایط مدرن شخصیّت فرد بر اثر عوامل فوق، دیگر به اجتماع خاصّی که عضو آن است، وابسته نیست و فرایندهایی چون اقتصاد پولی و زندگی در کلان‌شهر، از او فردی مستقل با منافع شخصی خاصّ خود و برخوردار از آزادی عمل فراوان، ساخته است؛ فردی که با اجتماعات گوناگون در ارتباط است و این ارتباطات، فرصت‌های انتخاب را برای وی فراهم آورده است (زیمل، ۱۳۷۲: ۵۸).

آزادی در کلان‌شهر تنها به جنبه‌ی منفی آن یعنی رهایی از قیودات سنّتی، تاریخی، دینی و ... محدود نمی‌شود، بلکه آزادی فردی در معنای مثبت و ایجابی را نیز شامل می‌شود و فرد در کلان‌شهر در تنظیم شیوه‌ی زندگی خود، آزادی و استقلال می‌یابد. انسان کلان‌شهری می‌تواند سبک زندگی خود را آزادانه برگزیند. ویژگی دیگر کلان‌شهرها آن است که جایگاه نگرش «جهان وطنی» هستند. این جهان وطنی می‌تواند در شیوه‌های زندگی نیز نمود یابد.

دیوید فریزبی متأثّر از زیمل و با ارجاع به وی اظهار می‌کند که فرد باید در مقابل فروکاسته و فرسوده شدن به یک مکانیسم اجتماعی-فناورانه مانند کلان‌شهر مقاومت کند. نهایت ذهنیّت‌گرایی، واکنش به نهایت عینیّت‌بخشی به فرهنگ موجود است. از این رو، مبارزه‌ی فرد برای ابراز وجود هنگامی که با بی‌تفاوتی فراگیر کنش‌های متقابل ساکنین شهر روبرو شود، می‌تواند شکل برانگیزنده‌ی یک حسّ بی‌تفاوتی - حتّی در شکل افراطی انطباق با رفتارهای نامتعارف حق‌به‌جانب به‌ویژه افراط در درون‌گرایی، هوس‌بازی و وسواس- به خود بگیرد که اهمّیّت آن دیگر در محتوای چنین رفتاری نیست، بلکه در متفاوت بودن شکل آن است؛ یعنی، در این که شخصی را برجسته می‌سازد و به همین سبب جلب توجّه می‌نماید. این امر تا حدّی از ناپایداری و تواتر دیدارها ناشی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

می‌شود که شناخت سریع‌تر طرف مقابل و اثرگذاری قاطع در کوتاه‌ترین زمان را برای او الزامی می‌کند (به نقل از باکاک، ۱۳۸۱: ۲۵).

انسان در شهر بزرگ از طریق مصرف، هویّتی را که دوست دارد، برای خود می‌سازد. «روند زندگی در شهر، آگاهی به مد را افزایش می‌دهد؛ یعنی، نیاز به انتخاب مواد مصرفی از میان مجموعه‌ای که هم متمایزکننده‌ی یک گروه اجتماعی خاص و هم بیانگر ترجیحات فرد است» (همان: ٢٦). در کلان‌شهر در وضعیّتی که مبانی تعلّقات گروهی از بین رفته است، «شیوه‌ی خاصّ مصرف کردن و سبک زندگی، راهی برای بیان خود در رابطه با دیگران و انبوه جمعیّت حاضر در کلان‌شهر است» (فاضلی، ۱۳۸۳: ٢٤-٢٥). فرد کلان‌شهری با بسط شدید فردگرایی از طریق مصرف نمادهای منزلت و مد، می‌کوشد فردیّت خویش را در برابر هجوم فرهنگ عینی یکنواخت‌کننده‌ی کلان‌شهر حفظ کند.

با توجّه به مسائل فوق، معماری و طرّاحی در این منطقه باید پاسخی به آسیب‌ها و فقدان‌های این نوع زندگی باشد. طرّاح شهری باید درک کند که با انسانی دل‌زده در معنای زیملی آن روبروست که می‌کوشد با احتیاط با دیگران مواجه شود؛ شهروندی که به‌رغم تماس‌های روزانه‌ی بسیار فراوان با انسان‌ها، از کمبود روابط عمیق رنج می‌برد. با توجّه به مباحث زیمل، چند ملاحظه‌ی زیر را برای فروکاستن از فشارهای اقتصاد پولی مدرن و نظام اجتماعی فردگرا، در معماری چیذر مدّنظر قرار می‌دهیم:

۱. تلاش برای ایجاد محیط محلّی و آشنا.

۲. کمک به گسترش روابط چهره به چهره، عمیق و غیرحسابگرانه‌ی محلّی از طریق طرّاحی محیط مناسب و ترغیب‌کننده برای این گونه تعاملات.

۳. کاستن از شدّت تحرکات عصبی با حذف زواید بصری، شنیداری و ... .

٤. ایجاد محیطی آرام.

۵. طرّاحی فضاهایی که تعاملات اجتماعی خارج از حیطه‌ی حسابگری و اقتصاد پولی در آن‌ها صورت گیرد.

٦. تا حدّ امکان، ایجاد فضاهایی که بتواند به نیازها و سلایق مختلف مخاطبان پاسخ دهد و در عین دعوت به تعامل اجتماعی، امکان تجلّی تفاوت‌های فردی و جمعی را فراهم کند.

۷. ایجاد فضاهایی که حسّ تداوم را در فرد ایجاد نماید.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

روش پژوهش

برای شناخت عمده‌ترین مسائل چیذر و دست‌یابی به راهبردهای مناسب معماری، از ترکیبی از روش‌های مختلف استفاده شده است. ابتدا مطالعات اسنادی و مشاهده صورت گرفته و سپس مرحله‌ی شناخت با استفاده از پرسش‌نامه‌ی محقّق‌ساخته و مصاحبه با محلّی‌ها و ذی‌نفعان محلّه تکمیل شده است. در بخش مشاهده علاوه بر بررسی‌های معمول، سایت در زمان‌های مختلف شبانه‌روز و نیز در فصول گوناگون مورد کاوش قرار گرفته است؛ زمان‌های مختلفی چون شروع روز و آغاز کار مدارس و حرکت مردم به سمت محلّ کار، ساعات میانی روز که بیش‌تر مورد استفاده‌ی قشرهایی از محلّه چون زنان خانه‌دار بوده است، ساعات بازگشت شاغلان و تعطیلی مدارس و نیز شلوغی غروب و خلوت شبانگاهی.

در این مطالعه، مصاحبه‌های مفیدی با شورایاران[۲] محل صورت گرفته است. بنابراین کوشیده شده تا از مشارکت افراد محلّی و آشنا به معضلات چیذر، بسیار استفاده شود. در بخش پیمایشی که هدف اصلی ما در این مقاله است، اطّلاع از حسّ مصاحبه‌شوندگان و حسّاس‌سازی آن‌ها نسبت به بافت، از عمده‌ترین اهداف بوده است. به منظور یافتن پاسخ‌های دقیق و افزایش روایی پژوهش برای هر پرسش در بخش پرسش‌نامه، عکس مجموعه‌ای از فضاهای محل ضمیمه شده است. این فضاها بر اساس اهمّیّت در محلّه، نقش‌آفرینی در برخی مناسبات شهری و خاص بودن به لحاظ معماری فضای شهری، انتخاب شده‌اند. با نشان دادن این عکس‌ها سعی شده است از حسّ ساکنین چیذر نسبت به فضاهایی که شاید مفهوم دل‌زدگی در آن‌ها مستتر است، تعریف مناسبی ارائه شود. اهداف استفاده از روش پیمایش در این تحقیق، به اختصار عبارت است از:

۱. سنجش میزان رضایت یا عدم رضایت از بافت شهری محلّه.

۲. دست‌یابی به ترجیحات مردم محلّه در زمینه‌هایی چون عناصر معماری سنّتی/مدرن و ... .

واحد تحلیل در این پژوهش، فضاهای مختلف محلّه و واحد مشاهده نیز فرد است. در مجموع، ۱۵۰ پرسش‌نامه‌ی معتبر جمع‌آوری شده که ۵۲ درصد از جمعیّت نمونه را پسران و ٤۸ درصد از آن را دختران تشکیل می‌داده‌اند.

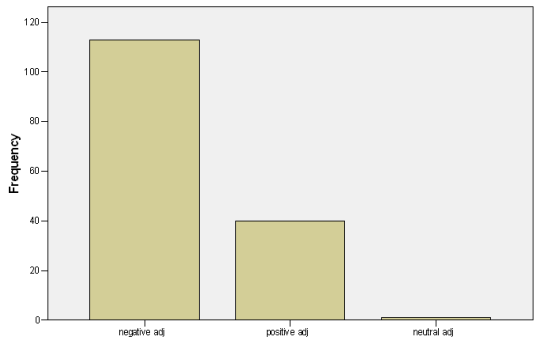
یافته‌های پژوهش

با ارجاع به اطّلاعات به‌دست آمده از تحقیق تجربی سیمای جامعه و ابعاد گوناگون جامعه‌ی آماری، سعی بر آن است که نقش معماری جدید در ظهور و کاهش دل‌زدگی نشان داده شود. برای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

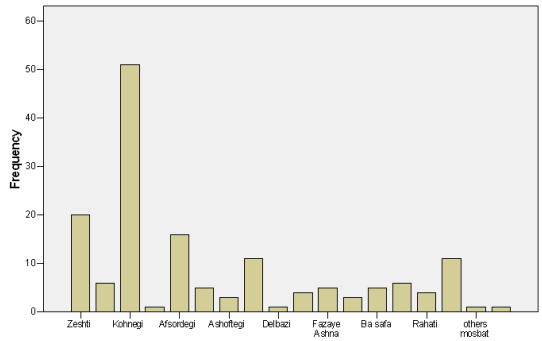
دست‌یابی به معنای مورد نظر، از پاسخ‌گویان خواسته‌ایم تا احساس خود را نسبت به برخی از مهم‌ترین فضاهای محلّه‌ی چیذر شامل اجزای اصلی محلّه یعنی معابر، نمای ساختمان‌ها، کوچه‌ها و بافت که به‌طور کلّی توصیف‌کننده‌ی حال و هوای منطقه‌ی چیذر و نشان‌دهنده‌ی سبک زندگی حاکم بر منطقه است، بیان کنند. این فضاها برحسب اهمّیّت در محلّه و یادآوری بسیاری از رویدادهای مهمّ محلّی انتخاب گردیده‌اند. البتّه برخی از فضاها نیز به سبب خاص بودن معماری و معبر برای ارزیابی ساکنین برگزیده شده‌اند. پاسخ‌گویان در این بخش می‌توانستند حسّ خود را نسبت به فضا با یک یا حداکثر دو صفت بیان کنند.

فضای اوّل: این فضا به یکی از معابر مثالی چیذر اختصاص دارد؛ یعنی، معابر باریکی که فاقد پیش‌بینی فضای اختصاصی برای عابر و دربردارنده‌ی خانه‌هایی با شکل و نمای قدیمی محلّه است. بررسی حسّ پاسخ‌گویان نسبت به این فضا نشان می‌دهد که این فضا، حسّ کهنگی را بیش از هر حسّ دیگری در ساکنین محلّه ایجاد می‌کند. زشتی و افسردگی، به ترتیب دو صفت بعدی برای این فضا هستند. در مجموع، ۷۳ درصد از صفاتی که برای بیان احساس نسبت به این فضا برگزیده شده، منفی و تنها ۲۶ درصد از صفات، مثبت است. البتّه گروهی نیز گرایشی خنثی نسبت به معماری خانه‌ها و کوچه داشته‌اند. نتایج فوق، نشان‌دهنده‌ی حسّ نامطلوب ساکنین محلّه نسبت به این بافت قدیمی است.



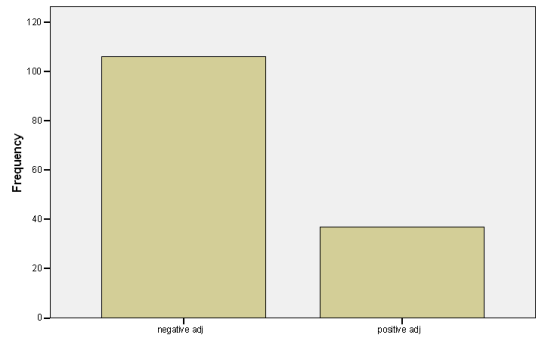
نمودار شماره‌ی یک- احساس ساکنین نسبت به محلّه‌ی چیذر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]



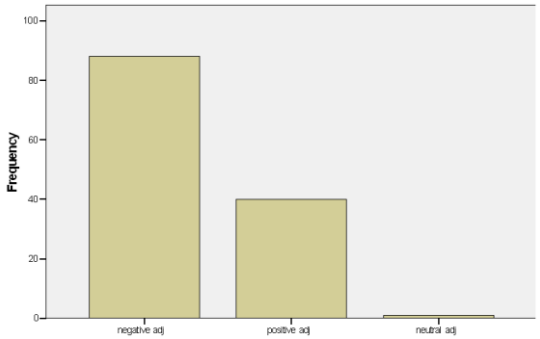
نمودار شماره‌ی دو- صفات توصیف‌کننده‌ی کوچه‌ای در چیذر

فضای دوم: یکی دیگر از ابعاد مهم در تعریف و هویّت بافت محلّه، نمای آن محلّه است. این فضا ضمن آن که در وضعیّت کنونی تأثیر مخرّبی بر سیمای محلّه دارد، بازسازی آن نیازمند هزینه‌ی کم‌تری است و امکان همسان‌سازی و سازگاری با سبک‌های معماری مدّنظر را فراهم می‌آورد. احساس پاسخ‌گویان از این نماها پرسیده شده و دو صفت «آشفتگی» و «افسردگی»، بیش‌ترین فراوانی را در میان پاسخ‌ها داشته‌اند. بی‌نظمی، ازدحام، ناامنی، اضطراب و زشتی، صفات بعدی برای این نماها بوده‌اند. فراوانی این چند صفت، نشان‌دهنده‌ی ضرورت فراهم آوردن تمهیداتی از سوی شهرداری و دست‌اندرکاران شهری برای بهبود این وضعیّت است؛ زیرا این صفات در سطح خودآگاه توسّط پاسخ‌گویان بیان شده و مطمئناً تأثیر این وضعیّت در سطح ناخودآگاه بسیار بیش‌تر و عمیق‌تر است. ادامه‌ی وضعیّت کنونی، سلامت روانی اهالی منطقه را تهدید خواهد کرد و دل‌زدگی زیملی را در پی خواهد داشت.



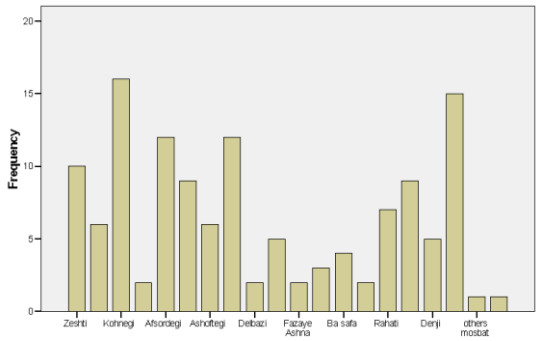
نمودار شماره‌ی سه- نما در محلّه‌ی چیذر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]



نمودار شماره‌ی چهار- نما در محلّه‌ی چیذر

فضای سوم: این فضا به یکی از کوچه‌های اصلی چیذر اختصاص دارد؛ یعنی، کوچه‌هایی فاقد پیاده‌رو و جوی آب که دارای آشفتگی بصری فراوانی هستند. بیش‌ترین صفت اشاره شده برای این فضا، «کهنگی» بوده و سپس به ترتیب صفات «افسردگی»، «ناامنی» و «زشتی» قرار داشته‌اند. در مجموع، نزدیک به ۷۰ درصد از صفات به‌کار رفته برای این فضا، منفی بوده است. این نتایج، ضرورت بهسازی کوچه‌های چیذر را نشان می‌دهد؛ کوچه‌هایی که حسّ کهنگی، افسردگی، ناامنی و زشتی را در ساکنان خود برمی‌انگیزانند.



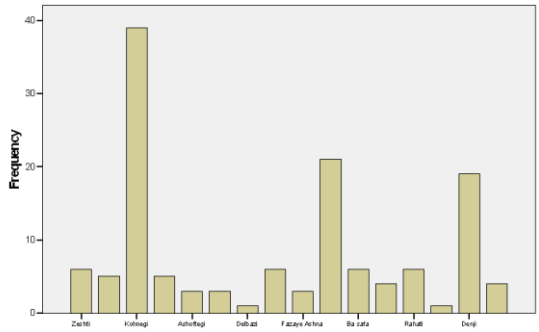
نمودار شماره‌ی پنج- بررسی یکی از کوچه‌های چیذر

نمودار شماره‌ی پنج- بررسی یکی از کوچه‌های چیذر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

فضای چهارم: نگرش ساکنین نسبت به بافت چیذر بر اساس الگوی معماری سنّتی نیز از بخش‌های بسیار قابل تأمّل در این مطالعه است. با وجودِ آن که واکنش جمعیّت نمونه به برخی بافت‌های کهنه‌ی محلّه منفی بوده، توجّه مثبت آن‌ها به تک المان‌ها و عناصر سنّتیِ دارای ارزش زیباشناختی، حاکی از آن است که هنوز هم واکنش مردم نسبت به معماری سنّتی، مثبت است و در صورت به‌کارگیری صحیح این معماری، حسّ بسیار مثبتی در ساکنین ایجاد خواهد شد.

برای سنجش این امر از یک نمای درِ چوبی به همراه راه‌پلّه‌ی قدیمی آن استفاده شده است. به‌رغم عدم نوسازی آن، بیش‌ترِ پاسخ‌گویان، احساس خود را نسبت به این فضا با صفات مثبتی بیان کرده‌اند. علاوه بر احساس مثبت پاسخ‌گویان نسبت به معماری سنّتی، دو صفتِ «خانه‌ی پدری» و «دنجی» بیش از همه بیانگر حسّ مثبت آن‌ها بوده است؛ به‌گونه‌ای که بیش از ٦۰ درصد از پاسخ‌گویان، این سه صفت (معماری سنّتی، خانه‌ی پدری و دنجی) را انتخاب کرده بودند. این امر، به‌ویژه نشان‌دهنده‌ی ضرورت استفاده از تک المان‌های باقیمانده در بافت چیذر است؛ المان‌هایی که می‌توانند «خانه‌ی پدری» و «آرامش» را به خاطر آورند.



نمودار شماره‌ی شش- صفات توصیف‌کننده‌ی محلّه‌ی چیذر

طبق مطالعات انجام‌شده در منطقه‌ی چیذر، برنامه‌ای نظارتی برای رسیدگی مداوم به این بافتِ دارای ارزش فرهنگی، اجتماعی و محلّی و اقدامات لازم در جهت حفاظت از آن، با احتساب میزان بودجه، بازه‌ی زمانی و سازمان‌های مرتبط، پیش‌بینی شده است که به صورت جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول شماره‌ی یک- برنامه‌ی نظارتی بر سایت

گروه‌های مسؤول	زمان	شاخص‌ها	مقوله
- سازمان حفاظت از محیط زیست کشور - شهرداری منطقه‌ی یک- زیباسازی	ماهانه	- کنترل حریم منظری به لحاظ ارتفاع و نمای ساختمان‌ها	کنترل منظر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

شهرداری تهران – شورایاری چیذر		– مدیریّت و نظارت بر فضای سبز موجود و تلاش برای افزایش آن – یافتن عوامل تهدید فضاهای سبز		
	۶ ماه یک‌بار	– حفظ حریم و پهنه‌ی مسکونی از طریق کنترل کاربری‌های داخل بافت	فرهنگی	
– سازمان حفاظت از محیط زیست کشور – سازمان هواشناسی کشور – سازمان ترافیک کشور – نیروی انتظامی	روزانه	– کنترل درجه‌ی حرارت محیط	آلاینده‌های محیط زیستی	
		– آلودگی صوتی		
		– ترافیک		
– بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدّس – معاونت فرهنگی شهرداری منطقه – بنیاد شهید	سالانه	– شمارش تعداد زائرین استقبال کننده از سایت	زائرین	
	-	– ایجاد موقعیّت و تسهیلات مناسب برای زائرین		
	هفتگی	– مصاحبه و جمع‌آوری نظرات آن‌ها از طریق پرسش‌نامه		
– شهرداری منطقه‌ی یک – وزارت راه و ترابری – سازمان کنترل ترافیک شهر	هفتگی	– آب‌های سطحی (اختلاف سطح آب‌های سطحی در فصول مختلف)	دسترسی	
	ماهانه	– تابلوهای راهنما و جهت‌یابی مسیرها		
		– شیب		
– سازمان آمار ایران – شورایاری چیذر	۵-۶ ماه یک‌بار	– سرشماری پی‌درپی (آمار تولّد، مرگ، ازدواج و کوچ)	مهاجرت در بافت	

(مأخذ: نگارنده)

نتیجه‌گیری

زیمل در مقاله‌ی «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، پیچیده‌ترین مسائل زندگی مدرن را ناشی از ادّعای فرد برای حفظ استقلال و فردیّت هستی خویش در برابر نیروهای سهمگین اجتماعی و میراث تاریخی و فرهنگی می‌داند. به عقیده‌ی وی در کلان‌شهر به سبب تحریکات عصبی و اقتصاد پولی، با پدیده‌ی روانی «دل‌زدگی» مواجه هستیم. ار نظر زیمل، اشیا در کلان‌شهر سرشت کیفی خود را از دست می‌دهند و انسان‌ها مجبور به ارائه‌ی جواب‌های سطحی در مقابل محرّک‌های فراوان شهری می‌شوند. این وضعیّت در همه‌ی سطوح زندگی مدرن جاری است. حتّی در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

فضاهای فرهنگی‌ای که می‌توانست راهی برای برون‌رفت از دل‌زدگی باشد نیز فردگرایی و اقتصاد پولی وجود دارد.

بر اساس رویکرد زیملی، بر وضعیّت معماری در منطقه‌ی سنّتی و تاریخی چیذر متمرکز شدیم تا مشخّص شود که ورود عناصر مدرن زندگی شهری و تغییر آن از ساختار سنّتی به مدرن - به‌ویژه در معماری و زندگی که بر ساختار معماری جدید بنا شده است- چه سرنوشتی برای افراد مقیم در این منطقه رقم می‌زند. آیا بر اساس رویکرد زیملی، مردم این منطقه دچار دل‌زدگی شده‌اند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، این دل‌زدگی چگونه در رفتار و سبک زندگی و معماری آن‌ها بازنمایی شده است؟ نقش معماری در این زمینه چیست و چگونه می‌توان با ارائه‌ی مدل سنّتی/مدرن از معماری، موجب کاهش دل‌زدگی شد؟

با نگاهی انتقادی، برای برون‌رفت از وضعیّت نابسامان فرهنگی و اجتماعیِ ناشی از ورود عناصر مدرن، در زمینه‌های هنر، معماری، دین و روابط انسانی و اجتماعی چهره به چهره در مکان‌های سنّتی، معماری سامان‌یافته می‌تواند مناسب و اثرگذار باشد؛ به عبارت دیگر، معماری بومی (ترکیبی از معماری سنّتی و مدرن بر اساس نیازها و فرهنگ محلّی) می‌تواند زیست طبیعی افراد را ممکن کند؛ زیرا یکی از راه‌های به‌سامان کردن زندگی انسانی و گذر از دل‌زدگیِ ناشی از فردگرایی و اقتصاد پولی در کلان‌شهر تهران، معماری بومی است. در نتیجه با توجّه به آن چه بیان شد، معماری متناسب با زندگی مردم در این محلّه می‌توانست پاسخی به آسیب‌ها و فقدان‌های انسان مصرف‌کننده‌ای باشد که اکنون کلان‌شهر را تجربه می‌کند. این امر مهم، زمانی محقّق می‌شود که معماران و طرّاحان شهری درک کنند که با انسانی «دل‌زده» به معنای زیملی آن روبرو هستند؛ انسانی که می‌کوشد با احتیاط با دیگران روبرو شود؛ شهروندی که به‌رغم تماس‌های روزانه‌ی بسیار فراوان با انسان‌ها، از کمبود روابط عمیق رنج می‌برد.

در این پژوهش، بر مصرف معماری و تجلّی آن در بخش‌های متعدّد زندگی افراد متمرکز شده‌ایم. یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش تجربی و نیز تجربه‌ی محقّق حاکی از آن است که نابسامانی در معماری چیذر تاکنون نتوانسته است زندگی و زیست فرهنگی را برای ساکنان فراهم کند. در عوض، ورود معماری مدرن و ناکافی بودن معماری سنّتی موجب شده است که محل‌های کافی برای رفت‌وآمد افراد و پیوسته شدن آن‌ها در محلّه و دور شدن از کاربرد المان‌های معماری سنّتی (از قبیل در، پنجره، آجر، گچ و ...) فراهم نشود. از این رو، بازنگری در ساختار معماری شهری و به‌طور خاص در چیذر، ضروری است. در این بازنگری، معماران و مدیران شهری باید

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

بکوشند تا ضمن نوسازی محلّه، به عناصر اساسی معماری سنّتی و مناسبات اجتماعی و فرهنگی مأخوذ از آن توجّه کنند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد ملاحظات زیر باید در بازطرّاحی معماری چیذر مدّنظر قرار گیرد:

۱. تلاش برای ایجاد محیط محلّی، آشنا و آرام.

۲. کمک به گسترش روابط چهره به چهره، عمیق و غیرحسابگرانه‌ی محلّی از طریق طرّاحی محیط مناسب و ترغیب‌کننده برای این گونه تعاملات.

۳. طرّاحی فضاهایی که تعاملات اجتماعی خارج از حیطه‌ی حسابگری و اقتصاد پولی در آن‌ها صورت گیرد.

٤. ایجاد فضاهایی که بتواند به نیازها و سلایق مختلف مخاطبان پاسخ دهد و در عین دعوت به تعامل اجتماعی، امکان تجلّی تفاوت‌های فردی و جمعی را فراهم کند.

این اقدامات صرفاً با نگاهی عمیق به آسیب‌ها و تهدیدهای موجود در محلّاتی چون چیذر امکان‌پذیر است؛ محلّاتی که عموماً با مشکلات دسترسی، تعاملات اجتماعی در مراکز محلّات، آشفتگی سیمای شهری، نبودِ جاذبه برای نگهداری ساکنین بومی و نیز کاهش کیفیّت زیست‌محیطی بافت مواجه هستند. این مطالعه نشان می‌دهد برای رساندن این منطقه به تعادلی پویا، پنج اقدام زیر باید صورت پذیرد: تقویت هویّت محلّه‌ای، بهینه‌سازی عبور و مرور، استفاده از پتانسیل‌های طبیعی، تقویت تعاملات اجتماعی و بهبود سیمای شهری.

یادداشت:

[۱] محلّه‌ی چیذر محلّه‌ای قدیمی در شمال شهر تهران است که به دلیل وجود آرامگاه امامزاده علی‌اکبر (ع) در آن، از سابقه‌ی تاریخی و مذهبی طولانی‌ای برخوردار است. این امامزاده عامل اصلی شاخص شدن این منطقه بوده و استفاده از این پتانسیل می‌تواند به غنای چیذر بیفزاید. شاید تعریف میدان چیذر به‌عنوان مرکزی برای معرّفی اصالت منطقه، گامی بلند در جهت پویا نگاه داشتن چیذر باشد.

[۲] شورایاری تشکیلاتی است که در سطح محلّات کارکردی مشابه شورا در سطح شهر دارد، امّا اختیارات آن صرفاً مشورتی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

منابع

۱. آزاد ارمکی، مرضیه (۱۳۸٦) «**طرحی برای هویّت‌بخشی به چیذر: طرّاحی مرکز محلّه**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

۲. افشار، ایرج (۱۳۷۹) **شمیران یا باغ‌های گم‌شده**، نشر ایران‌زمین.

۳. بحرینی، سیّد حسین (۱۳۷٦) **فرایند طرّاحی شهری**، انتشارات دانشگاه تهران.

۴. ــــــــــــــ (۱۳۷۵) **تحلیل فضای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طرّاحی**، انتشارات دانشگاه تهران.

۵. بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۵) **محیط‌های پاسخ‌ده**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

۶. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸٤) **طرّاحی فضای شهری در ایران**، وزارت مسکن و شهرسازی.

۷. پوراحمد، احمد و کلانتری، حسین (۱۳۸٤) **فنون و تجارب برنامه‌ریزی مرمّت بافت تاریخی شهرها**، انتشارات جهاد دانشگاهی.

۸. توسّلی، محمود (۱۳۷٦) **طرّاحی شهری در بخش مرکزی تهران**، مرکز مطالعات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.

۹. حبیبی، سیّد محسن (۱۳۸۵) «فضاهای شهری، حیات واقعی و خاطره‌های جمعی»، **مجلّه‌ی صفه**، سال نهم، شماره‌ی ۲۸.

۱۰. حناچی، پیروز و همکاران (۱۳۸۰) **اقدامات مرمّت شهری در ایران و جهان**، نشر میراث فرهنگی تهران و یزد.

۱۱. زیمل، گئورگ (۱۳۷۲) «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، ترجمه‌ی یوسف اباذری، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۳.

۱۲. ستوده، منوچهر (۱۳۷۱) **جغرافیای تاریخی شمیران**، تهران: مؤسّسه‌ی مطالعات و تحقیقات.

۱۳. طالب، مهدی (۱۳۷٦) **مدیریّت روستایی در ایران**، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۴. عظیمی، ناصر (۱۳۸۱) **پویش شهرنشینی و مبانی نظام شهری**، نشر نیکا.

۱۵. فلامکی، محمّد منصور (۱۳۸٤) **نوسازی و بهسازی شهری**، انتشارات سمت.

۱۶. ــــــــــــــ (۱۳۵۷) **سیری در تجارب مرمّت شهری از ونیز تا شیراز**، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

۱۷. فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳) **جامعه‌شناسی شهر**، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات آگاه.

۱۸. کالن، گوردون (۱۳۸۲) **گزیده‌ی منظر شهری**، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

۱۹. کامبخش‌فرد، سیف (۱۳۸۰) **نگاهی به تهران در ۳۰۰۰ سال پیش**، انتشارات و تولیدات میراث فرهنگی.

۲۰. لینچ، کوین (۱۳۸۳) **سیمای شهر**، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۱. مصطفوی، سیّد محمّدتقی(۱۳٦۱) **آثار تاریخی تهران**، نشر آثار ملّی.

۲۲. مقصودی، ملیحه و همکاران (۱۳۷٦) **استخوان‌بندی شهر تهران**، سازمان مشاور فنّی و مهندسی شهر تهران.

23. Baker, D (1983) **Living with the past**, Roydon Press, Luton.

24. Burnkan, B (1974) **The protection of cultural property**. Handbook of national legislations, ICOM.

25. Crinson, Mark (2007) **Urban Memory, History and amnesia in the modern city**, Routledge.

26. Cullingworth, J.B & Vincent Nadin (2002) **Town and Country Planning in the UK**. New York: Routledge.

27. Freestone, Robert (2000) **Urban planning in a changing world**, E&FN spon.

28. Gold, Harry (2002) **Urban life and society**, Prentice Hall press.

29. Gottdiener and Budd (2005) **Key concepts in urban studies**, Sage press.

30. Roberts, Peter W. and Hugh Sykes (2003) **Urban Regeneration**; a hand book London, Sage Press.

31. Thorns, David (2005) **The transformation of the Cities**, Palgrave.

32. Worskett, R (1986) **The character of towns in Conservation and development in historic towns and cities**, ed. by Pamela Ward, Oriel Press, Newcastle.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]